

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۸ فبروری ۲۰۲۳

شرایط مادی انقلاب جاری



حدود چهار ماه است که خشم و کین مردم ما نسبت به شرایط فلاکت‌باری که جمهوری اسلامی در ایران حاکم کرده است کل کشور را به صحنه مبارزات پر شور مردمی بدل نموده است. اگر اولین تظاهرات در ۲۵ شهریور در تهران در اعتراض به مرگ ژینا (مهسا) امینی شکل گرفت مدت کوتاهی پس از برخاستن توده ها در شهرهای مختلف علیه رژیم جنایتکار و ضد کارگری حاکم که فریاد نابود باد جمهوری اسلامی سر می دادند، جوانان انقلابی در کف خیابان به درستی فریاد زدند "بهش نگید اعتراض، اسمش شده انقلاب".

با اینکه برای خیلی ها با توجه به فقر و فلاکتی که جمهوری اسلامی در جهت تأمین منافع سرمایه داران داخلی و خارجی به وجود آورده، "شورش گرسنگان" امری قابل پیش بینی بود اما هیچ کس نمی دانست که این شورش از کجا و با چه دستاویزی شعله بر خواهد کشید. تا اینکه قتل ژینا (مهسا) امینی در بازداشتگاه گشت ارشاد، آن جرقه ای شد که لازم بود تا انبار باروت خشم ستمدیدگان شعله بر کشد و بیش از ۱۶۱ شهر کشور صحنه تظاهرات و مبارزات توده های جان به لب رسیده علیه دیکتاتوری حاکم گردد. اما به رغم این واقعیت یعنی شرایط مادی ای که این خیزش بزرگ انقلابی را به وجود آورد، نیروهای تلاش کردند و هنوز هم می کنند که این خیزش را به مخالفت با حجاب اجباری محدود کرده و با اشاعه شعار "زن، زندگی، آزادی"، شعاری که فاقد هر گونه بار طبقاتی می باشد، زمینه های طبقاتی جنبش انقلابی جاری و به طور طبیعی معنای پیروزی آنرا مخدوش نمایند. این نیروها سعی دارند جنبش انقلابی مردم

ایران که یکی از مطالباتش رفع تمام ستم‌هایی که به زنان و به خصوص به زنان کارگر و زحمتکش در جامعه وارد می‌شود بوده و تأمین برابری کامل زن و مرد می‌باشد را در امر لغو حجاب محدود و محصور سازند و در این زمینه تا آنجا پیش می‌روند که جنبش خود انگیخته جاری که زنان مبارز نقش بزرگی در آن دارند را همصدا با بزرگترین رسانه‌ها و محافل امپریالیستی یک "جنبش زنانه" و تحت رهبری زنان معرفی می‌کنند. در حالیکه همگان می‌دانند که اولاً انقلاب کار توده هاست و زنان و مردان در یک جامعه دوشادوش هم انقلاب را پیش می‌برند. ثانیاً زنانه و مردانه کردن جنبش مردم صرفاً باعث می‌شود که یک شکاف بر مبنای جنسیت بین توده‌های شرکت‌کننده در این انقلاب به طور مصنوعی بوجود آورده شود و دامنه جنبش محدود گشته و در رسیدن به خواست‌های خود با محدودیت مواجه گردد. به این واقعیت هم باید توجه داشت که در زیر سلطه دیکتاتوری حاکم در ایران هیچ کدام از اقشار و طبقات مردمی چه زن چه مرد و چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی اصولاً از تشکل لازم برای هدایت این انقلاب برخوردار نمی‌باشند.

اما صرف‌نظر از هر تلاشی که برای زنانه جلوه دادن انقلاب کنونی مردم صورت می‌گیرد _ که گاه این ادعا با تکیه بر حضور پرشور زنان در انقلاب توضیح داده می‌شود _ نگاهی به شرایط جامعه نشان می‌دهد که این فقر و فلاکت توده‌های ستمدیده، چه زن و چه مرد است که آنچنان گسترش یافته که توده‌های جان به لب رسیده جدا از جنسیت حتی در زیر سرکوب وحشیانه روزمره شانه به شانه دست به اعتراض و انقلاب زده‌اند. امروز وجود میلیون‌ها بیکار و گسترش وسیع بی‌خانمانی و گرسنگی و کوچک شدن سفره کارگران و زحمتکشان واقعیاتی انکارناپذیر می‌باشد که حتی خود نهادهای دولتی جمهوری اسلامی هم آن را انکار نمی‌کنند. چرا که قابل‌کتمان نیست که تعداد فقیران کشور در فاصله کوتاهی دو برابر شده و امسال هم با توجه به سقوط ارزش پول ملی و تورم لجام گسیخته به خصوص در رابطه با مواد غذایی درصد هر چه بیشتری از زحمتکشان به زیر خط فقر پرتاب خواهند شد.

در تائید سخن بالا از جمله می‌توان به گزارش سالانه وزارت کار در رابطه با "پایش خط فقر" که در روز یکشنبه ۱۱ دی ماه (۱۴۰۱) منتشر شد اشاره نمود. این گزارش از رشد چشمگیر شمار فقیران کشور و افزایش خط فقر در ایران خبر داده و اعلام کرده که: "از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، شمار کسانی که زیر خط فقر مطلق قرار دارند، دو برابر شده و یک‌سوم جمعیت کشور به زیر خط فقر مطلق کشیده شده‌اند". درست در شرایط ورشکستگی سیستم ظالمانه سرمایه‌داری حاکم بر ایران و در نتیجه اخراج‌های وسیع و بالا رفتن تعداد بیکاران و افزایش روزمره تعداد کسانی که اجباراً به زیر خط فقر پرتاب می‌شوند آن زمینه مادی است که توده‌ها را صرف‌نظر از جنسیت‌شان از نوجوان و کودک گرفته تا پیر و جوان به انقلاب می‌کشاند.

در شرایطی که خود نهادهای حکومتی اعتراف می‌کنند که هزینه واقعی معیشت شرافتمندانه یک خانوار ۳ نفره کارگری در بهمن‌ماه از ۹.۱۳ میلیون تومان در بهمن سال قبل به مرز ۲۱ میلیون تومان در بهمن سال جاری افزایش خواهد یافت" و در شرایطی که حداقل حقوق یک کارگر در صورتی که تازه این حقوق پرداخت گردد مبلغی در حد ۴ میلیون و ۱۷۹ هزار و ۷۵۰ تومان است که با همه مزایای کناری به "شش میلیون و ۴۳۳ هزار تومان برای خانواده ۳.۳ نفری در نظر گرفته شده است"، با نگاهی به این ارقام براحتی می‌توان فهمید که چرا اکثریت کارگران کشور در زیر خط فقر زندگی می‌کنند؛ و چرا هر روز سفره کارگران کوچکتر و کوچکتر می‌گردد. مهمتر از این چرا این انقلاب برای رسیدن به خواست‌هایش باید قادر به تحقق "نان، کار، مسکن و آزادی" باشد.

اتفاقاً درک همین نکته که کارگران و ستمدیدگان چه زن و چه مرد برای چه مطالباتی به پا خاسته‌اند خود نشان می‌دهد که آلترناتیوهای یاد شده از سوی قدرت‌های امپریالیستی که حتی کلمه‌ای در مورد رنج و درد کارگران و زحمتکشان

ایران بر زبان نمی آوردند، چرا آلترناتیوهای مردمی نبوده و قادر به تحقق مطالبات کارگران و ستمدیدگان یعنی اکثریت جمعیت کشور نیستند. به طور طبیعی وقتی ما پذیرفتیم که انقلاب برای "نان، کار، مسکن" و آزادی و رهائی از سلطه امپریالیست ها شکل گرفته، پس آنهایی که می خواهند نظم سرمایه داری ظالمانه حاکم را حفظ و به کمک ارتش و سپاه نظم مورد نظر خود را اعمال نمایند هرگز قادر به تحقق مطالبات کارگران و ستمدیدگان نخواهند بود. به همین دلیل هم می کوشند جهت این انقلاب را به بیراهه بکشانند.

واقعیت این است که انقلاب جاری نه یک انقلاب جنسیتی، نه یک انقلاب "زنانه" بلکه یک انقلاب اجتماعی ست که اگر می خواهد به مطالبات همه توده های تحت ستم ایران از زن و مرد و کودک و پیر و جوان پاسخ داده و فقر و فلاکت حاکم را برطرف سازد قبل از هر چیز باید نابودی جمهوری اسلامی را با نابودی نظام سرمایه داری حاکم توأم سازد و اگر باید چنین شود آنگاه انقلاب برای پیروزی به تشکل و تسلیح و رهبری طبقه کارگر، نیاز دارد. امری که در مسیر تشکیل گروه های سیاسی-نظامی مرکب از زنان و مردان انقلابی و مبارزه مسلحانه با رژیم حاکم امکان پذیر بوده و وظیفه امروز همه نیروهای انقلابی را شکل می دهد.

به نقل از ماهنامه کارگری ارگان کارگری چریک‌های فدائی خلق ایران شماره ۱۰۸ پانزدهم دی ماه ۱۴۰۱